

لیلا حسین زاده
فره‌جو حادث

درحالی‌که پنج عضو یک خانواده ساکن روستای نام‌نیک‌حسین‌آباد کالیوش قرار بود از قارچ‌های جنگلی‌ای که چیده بودند به‌عنوان شام لذت ببرند اما به گفته بستگان شان، آنها سعی بودند چهار نفر به دلیل مسمومیت شدید جان خود را از دست دادند. براساس اعلام معاون غذا و دارو و فوق تخصص سم‌شناسی بالینی دانشگاه علوم پزشکی آذربایجان غربی، در سه سال اخیر، ۱۳۴ نفر به دلیل مصرف قارچ سمی مسموم شده‌اند که بیشترین آن به ترتیب در استان‌های کرمانشاه، آذربایجان غربی، لرستان، گلستان، کردستان، همدان، قزوین و چهارمحال و بختیاری بوده است. خانواده‌های عجم و فدایی در حال گذراندن یکی از دشوارترین و غمبارترین روزهای زندگی خود هستند. محمد عجم ۲۹ ساله و فرزند دوسال ونیمه‌اش آیهان، ابوالفضل فدایی ۲۲ ساله و محمود فدایی ۶۲ ساله، اعضای خانواده‌ای بودند که قارچ سمی جان‌شان را گرفت.

به گفته خواهر محمد عجم، حادثه ۲۵ شهریورماه و زمانی اتفاق افتاد که پدر و برادر همسر محمد برای چیدن قارچ به جنگل رفتند. آن طور که او به جام‌جم توضیح می‌دهد، این کار همیشه آنها بود و با شناختی که از قارچ‌ها داشتند اقدام به چیدن آن می‌کردند: «همسر برادرم می‌گفت همیشه از کودکی خودش این کار را انجام می‌داد. من با دخترعموش صحبت کردم و او نیز گفت نه تنها آنها که کل طایفه و روستا از آن قارچ‌ها استفاده می‌کنند، آن روز هم پدر و برادر همسر محمد، قارچ‌ها را چیدند و به خانه آوردند. روز حادثه همگی در خانه بودند، جز مادر همسر برادرم که برای شرکت در مراسم عروسی به روستای دیگری رفته بود. غروب که شد، همسر برادرم قارچ‌ها را شست و سرخ کرد تا به‌عنوان وعده شام صرف کنند. او گفت وقتی داشتیم قارچ‌ها را می‌خوردیم، طعمی تلخ داشت و حتی آیهان نیز لقمه را نتجوید از دهانش بیرون آورد و داخل بشقاب انداخت. در این میان برادر همسر محمد بیش از همه از قارچ خورده بود. پس از صرف شام همگی خوابیدند اما ساعت ۴ صبح روز بعد برادرم محمد با مادرم تماس گرفت و گفت به‌دلیل خوردن قارچ سمی حال‌مان بد است و اسهالغرم می‌کنیم و به بیمارستان می‌رویم. پس از تماس، همگی به بیمارستان مینودشت رفتند و هر پنج نفر بستری شدند. سوابوربزر بیمارستان به من گفت وضعیت هر پنج نفر به شکلی بود که ابتدا تصور کردیم همگی مشروبات الکلی مصرف کرده‌اند و دروغ می‌گویند اما پس از انجام آزمایش متوجه شدند عامل اصلی بدحالی آنان مصرف قارچ سمی بوده است. برادرم روز دوم با ما تماس گرفت و گفت بیمارستان آنها را مرخص کرده اما آیهان باید ۲۴ ساعت تحت نظر باشد. ما چون حال‌مان خوب نیست،

شام آخر با قارچ سمی

مصرف قارچ‌های جنگلی در کالیوش، جان ۴ عضو یک خانواده را گرفت



مرخص شدند و به خانه رفتند.» آن طور که خواهر داغیده محمد می‌گوید، کادر درمان اعلام کرد کاری از دست‌شان بر نمی‌آید و قادر به تشخیص نوع سمی که در بدن آنها وجود دارد نیستند و روند درمان باید در جای دیگری پیگیری شود: «بیمارستان به ما آمبولانس نداد و برادرم و همسرش را با خودروی شخصی به گرگان و بیمارستان صیاد شیرازی بردیم و بستری کردیم. آنجا ۲۴ ساعت

شما بیابید و مراقب بچه باشید. پس از پایان تماس، من همراه خواهر و مادرم به بیمارستان مینودشت رفتم. اصلا حال خوبی نداشتند. رنگ‌شان کامل زرد شده بود و شرایط آیهان هم اصلا خوب به نظر نمی‌رسید. خودبیمارستان هماهنگی‌ها را انجام داد و بچه را به بیمارستان طالقانی گرگان اعزام کردند اما گفتند برادرم و همسرش را به تهران منتقل کنید. پدر و برادر همسر محمد نیز

مکث

راه تشخیص قارچ سمی از خوراکی

معاون غذا و دارو و فوق تخصص سم‌شناسی بالینی دانشگاه علوم پزشکی آذربایجان غربی گفت: شهروندان باید از مصرف قارچ‌های خودرو مخصوصا قارچ‌هایی که در کنار تنه درختان به‌خصوص درختان خشک‌شده می‌رویند یا خرید قارچ‌های فله‌ای جمع‌آوری‌شده توسط افراد بومی، خودداری کنند. برای حفظ سلامت خود و خانواده‌تان تنها قارچ‌های پرورشی را که توسط مراکز مجاز و در بسته‌بندی‌های دارای مجوز هستند خریداری و مصرف کنید. دکتر دلیر راد افزود: شناسایی انواع قارچ خوراکی از گونه‌های سمی، تنها براساس خصوصیات ظاهری مانند شکل، رنگ، بو، قوام و مزه تقریبا غیرممکن است. این کار کردن نیز مواد سمی آنها از بین نخواهد رفت.

تنها توسط متخصصان و کارشناسان مجرب قارچ‌شناسی و گیاه‌شناسی با انجام آزمایش امکان‌پذیر است. فوق تخصص سم‌شناسی بالینی تاکید کرد: مصرف قارچ‌ها توسط پرندگان و سایر جانوران اهلی و وحشی، نشان‌دهنده غیرسمی بودن آنها برای انسان نیست. همچنین برخی روش‌ها و معیارهای سنتی مانند تغییر رنگ قاشق نقره در تماس با قارچ یا فروبردن قارچ در شیر، روش‌های صحیحی برای تشخیص سم آن نیستند. وجود حشرات در اطراف قارچ یا محل رویش نیز معیار علمی معتبری برای تشخیص غیرسمی بودن قارچ به شمار نمی‌رود. برخی سموم موجود در قارچ‌های سمی، مقاوم به گرما بوده و حتی با فرآیندهای آماده‌سازی غذا مانند کباب کردن، آب‌پز کردن، سرخ کردن و بخارپز کردن نیز مواد سمی آنها از بین نخواهد رفت.

در تریاز اورژانس بودند و سپس پزشک مستقر در اورژانس به ما گفت صادقانه می‌گویم که قارچ‌ها سمی بوده و برای دفع و عوارض آن کاری از دست‌شان برنمی‌آید و اگر بمانند از بین می‌روند. آنها را به تهران منتقل کنید، چون به پیوند کبد نیاز دارند. خودمان برای همسر برادرم آمبولانس شخصی گرفتیم اما قرار شد برادرم با خودروی شخصی منتقل شود. آیهان نیز توسط بیمارستانی در گرگان به بیمارستان اطفال تهران اعزام شد. پدر و برادر همسر محمد نیز اصلا وضعیت خوبی نداشتند و خانواده آنها را از شاه‌رود به تهران منتقل کردند. حال این دو نفر حتی از برادرم و زن و بچه‌اش هم بدتر بود. پزشکان اعلام کردند که حال همسر برادرم بسیار وخیم است و کبدش را از دست داده اما در تهران گفتند حال عمومی او بهتر شده ولی شرایط جسمی برادرم وخیم است. برادرم را ردیالیز کردند و گفتند این روند باید چهار مرتبه تکرار شود. او پس از نخستین مرحله دیالیز، به هوش نیامد و به کما رفت و فوت شد. همسر برادرم نیز تحت دیالیز قرار گرفت. نخستین دیالیز موفق بود اما ۸۰ درصد کبدش از بین رفته و تنها ۲۰ درصد آن باقی مانده است.»

درحالی‌که خانواده امیدوار بودند آیهان کوچولو نجات پیدا کند اما به گفته خواهر محمد، او نیز یکشنبه شب فوت شد: «پزشک معالج اعلام کرد او شش روز پس از حادثه همچنان زنده بود اما در این مدت سه بار قلبش از کار افتاد و دوباره به زندگی برگشت. یکشنبه شب تماس گرفتند و اعلام کردند خون آیهان به طور کامل لخته شده و او فوت کرده است. همسر برادرم را مرخص کردیم اما پدر همسر محمد همان شب ایست قلبی کرد و حتی به دیالیز هم نرسید. برادر همسر محمد نیز موفق به انجام دیالیز نشد و فوت کرد. این تمام اتفاقی بود که ما از زبان خود آنها شنیدیم و گفتند پس از مصرف قارچ‌ها این حالت‌ها را تجربه کردیم. البته مقداری از قارچ‌ها هم مانده بود که آنها را برای آزمایش بردند. ما هنوز هم نمی‌دانیم علت سمی بودن این قارچ‌ها چیست. شاید زهر حیوانی یا چیز دیگری روی آنها بوده است. دکتر گفت احتمال این‌که این سم از چیز دیگری روی قارچ بوده بسیار زیاد است. یعنی شاید خود قارچ سمی نبوده اما زهر حیوان، مار یا چیز دیگری آنها را مسموم کرده است. با این حال هنوز چیزی معلوم نیست اما دکتر گفت این مسمومیت به‌دلیل مصرف قارچ‌ها بوده و سم به این شکل وارد بدن آنها شده است. از شما خواهش می‌کنم از طریق رسانه‌ها اعلام کنید در مورد داغی که دیده‌ایم، شایعه‌پراکنی نکنند. ما این خانواده را می‌شناسیم و شایعاتی که مطرح می‌کنند، هیچ‌کدام واقعیت ندارد و همه را تکذیب می‌کنم. علت فوت این چهار نفر تنها قارچ سمی بوده است نه چیز دیگر.»

گروگانگیری و جنایت ساختگی برای مهاجرت

ببرد. شاکي طبق خواسته پليس عمل کرد و کيف را زير درختی گذاشت و از آن فاصله گرفت. هنوز چند دقیقه‌ای نگذشته بود که دوباره پيامی صوتی دریافت کرد با این مضمون: چون پای پليس را به ماجرا باز کردی همسرت کشته شد و جسدش را می‌بریم بسوزانیم. یک ماه بعد گوشی تلفن همراه گروگان در یک روستای مرزی روشن شد و ماموران با حضور در آنجا زن جوان را پیدا کردند. زن ابتدا اظهارات متناقضی مطرح کرد اما در ادامه گفت: قصد مهاجرت داشتیم اما شوهرم حاضر نبود از ایران برویم. بنابراین تصمیم گرفتم صحنه سازی کنم و دست به خودرایی بزنم و هزینه سفرم را جور کنم. فایل های صوتی را با دستکاری در صدایم برای شوهرم فرستادم و وانمود کرده ربهوده شدم. سرهنگ مرتضی نثاری معاون مبارزه با جرائم جنایی پليس آگاهی تهران با تایید این خبر به جام‌جم گفت: برای این زن قرار قانونی صادر و تحقیقات در این باره ادامه دارد.

بازداشت مسافر بر سارق

پول‌های نقد داخل کیفم را برداشت و انگوها، انگشتر، گردنبند و دستبند را که یک میلیارد تومان ارزش داشتند سرقت کرد. بعد راننده ادامه مسیر داد و حوالی تهرانسر مرا از خودرو بیرون انداختند و فرار کردند.

با شکایت او تحقیقات پلیسی برای دستگیری دو سارق ادامه داشت و زنان دیگری نیز با حضور در پلیس آگاهی تهران شکایات‌های مشابهی را مطرح کردند. بررسی اظهارات این شاکیان نشان داد آنها بعد از خروج از مترو در حوالی کوی بیمه و اکباتان

و بیمارستان صارم در دام دزدان تیباسوار گرفتار شده‌اند. تحقیقات برای دستگیری سارقان ادامه داشت تا این‌که ماموران در بازبینی فیلم‌های مدارسته محل‌های آدم‌ربایی توانستند خودروی مورد نظر را شناسایی کنند. بنابراین از طریق پلاک خودرو مالک آن که مردی حدوداً ۶۰ ساله بود شناسایی و روز روز پیش در خانه‌اش در تهران بازداشت شد. این مرد در جریان تحقیقات مدعی بود که او را اشتباه گرفته‌اند اما از سوی شاکیان شناسایی شد.

صیاد خاکزاد بازپرس شعبه دهم دادسرای ناحیه ۳۴ تهران با تایید این خبر به جام‌جم گفت: متهم در بازداشت به‌سری‌برد و تحقیقات برای دستگیری همدست فراری‌اش ادامه دارد.

سومین حکم قصاص برای جنایت در چادر مسافرتی

فریدون را دید که دست سارا را گرفته و قصد آزار او را دارد. همین موضوع باعث درگیری او با فریدون شد.

یاسین گفت فریدون در جریان درگیری جان‌باخت و او پس از حادثه محل را ترک کرد. بعد از آن با سارا ازدواج کرد و خانه‌اش را تغییر داد اما شش‌ماه بعد توسط پلیس شناسایی و دستگیر شد.

روایت سارا از ماجرای چادر

سارا نیز در دادگاه، روایت یاسین درباره تعرض را تایید کرد اما اتهام مشارکت در قتل را نپذیرفت. او گفت وقتی یاسین برای خرید از چادر خارج شده بود، فریدون به سمت او حمله کرده و قصد تجاوز داشت. او مدعی شد مقاومت کرده و فریاد زده تا یاسین از راه رسیده و با فریدون درگیر شده است. قضات شعبه چهارم دادگاه کیفری استان تهران در پایان نخستین دفاعیات دو متهم را نپذیرفتند و هر دو را به قصاص محکوم کردند. متهمان به رأی اعتراض کردند و پرونده به دیوان عالی کشور رفت. قضات دیوان پس از بررسی پرونده، احکام قصاص را نقض کردند و پرونده را برای رسیدگی دوباره به شعبه هم‌عرض فرستادند.

سنگ، ضربه و مبارک‌ویک ادعای تازه

در رسیدگی دوباره، یاسین جزئیات دیگری از حادثه مطرح کرد. او گفت به خاطر ناموشش با سنگ به سر فریدون زده اما سارا هیچ نقشی در قتل نداشته است. یاسین مدعی شد وقتی همراه سارا چادر را ترک کرده‌اند، فریدون هنوز زنده بود و نفس می‌کشید و نمی‌داند چه کسی پارچه را دور گردن او پیچیده و باعث خفگی‌اش شده است. سارا نیز بار دیگر مشارکت در قتل را رد کرد و گفت فریدون قصد تجاوز به او را داشته و خودش در برابر او مقاومت کرده است.

با پایان دفاعیات متهمان و وکلای آنها، قضات وارد شور شدند و این بار نیز یاسین و سارا را به اتهام مشارکت در قتل به قصاص محکوم کردند. این حکم نیز نقض شد و پرونده برای رسیدگی دوباره به شعبه دهم دادگاه کیفری استان تهران بازگشت. در ادامه رسیدگی، اولیای دم همچنین بر درخواست قصاص اصرار کردند و دو متهم نیز بر دفاعیات قبلی خود باقی ماندند. در نهایت، قضات برای سومین بار حکم قصاص هر دو متهم را صادر کردند.

مرد جوانی که پنج سال قبل در جریان درگیری با فردی، او را به قتل رسانده و مدعی است برای دفاع از نامزدش دست به این کار زده، پس از سه بار رسیدگی در دادگاه کیفری و نقض دو حکم قبلی در دیوان عالی کشور، برای سومین بار به قصاص محکوم شد. نامزد او نیز در این پرونده مشمول همین حکم است. به گزارش یک جام‌جم، گزارش یک مفقودی در سال ۱۴۰۰، خیلی زود به خود رنگ جنایت گرفت. همسر فریدون وقتی به پلیس مراجعه کرد، گفت شوهرش یک روز قبل از خانه بیرون رفته و دیگر بازنگشته . تلفن همراهش نیز خاموش بود. تحقیقات برای پیدا کردن مرد گمشده آغاز شد اما در جریان بررسی‌ها نام جوانی به میان آمد که فریدون مدتی با او در تماس بود. ماموران سراغ یاسین رفتند اما دریافتند او هم ناپدید شده است. این اتفاق، پرونده را وارد مرحله تازه‌ای کرد و ماموران با جدیت بیشتری دنبال سرنخی از این دومرد بودند. چند روز بعد، جسد فریدون پیدا شد. روی گردنش آثار کبودی وجود داشت و شالی نیز دور گردنش پیچیده شده بود. بررسی‌های اولیه حکایت از آن داشت که او بر اثر خفگی جان‌باخته است. جسد به پزشکی قانونی منتقل شد و پس از شناسایی از سوی خانواده، تحقیقات برای پیدا کردن یاسین ادامه یافت.

رد پای یاسین پس از شش ماه

حدود شش ماه از وقوع قتل گذشته بود که ماموران موفق شدند به سرنخی از یاسین برسند. او هنگام خروج از مخفیگاهش دستگیر شد و در جریان تحقیقات به قتل فریدون اعتراف کرد. یاسین درباره دلیل درگیری گفت تصور می‌کرد فریدون به نامزدش (سارا) نظر دارد. با دستگیری سارا، تحقیقات درباره نقش احتمالی او نیز ادامه پیدا کرد و پس از تکمیل پرونده، هر دو متهم با صدور کیفرخواست برای محاکمه به دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شدند.

در نخستین جلسه دادگاه، اولیای دم فریدون برای یاسین و نامزدش درخواست قصاص کردند. سپس متهم در جایگاه قرار گرفت و ماجرای روز حادثه را روایت کرد. او گفت همراه سارا به سمت لواسان می‌رفتند که در مسیر با فریدون روبه‌رو شدند. فریدون هم خواست همراه آنها برود و هر سه راهی لواسان شدند. آنها در آنجا چادر زدند و مدتی بعد یاسین برای خرید غذا بیرون رفت. یاسین مدعی شد هنگام بازگشت، صدای فریاد‌های سارا را شنیده. وقتی وارد چادر شد، به گفته خودش

جام‌جم

حوادث

INCIDENT

چهارشنبه ۸ مهر ۱۴۰۵ شماره ۷۴۳۰

🕒 کوتاه‌ازحوادث

نجات گروگان میانسال

مرد ۶۲ساله‌که از دامداری ربه‌ده‌گروگان گرفته شده بود، نجات یافت. رئیس حوزه قضایی جازموربان اظهار کرد: سوم مهر ماه مردی هنگام انجام امور دامداری در شهرستان کهنوج به‌گروگان گرفته شد. با شکایت خانواده‌اش، تحقیقات در این زمینه آغاز شد. موضوع با جدیت در دستور کار قرار گرفت و با همکاری گردان ۱۱۵ امام جواد(ع) زهکלות و بهره‌گیری از ظرفیت ریش سفیدان، معتمدان محلی و مصلحین، اقدامات لازم برای آزادی این فرد انجام شد.

قاتل فراری دستگیر شد

رئیس پلیس آگاهی استان کرمان از شناسایی و دستگیری قاتل فراری پس از گذشت چند ماه از وقوع جرم خبر داد. به گزارش خبرگزاری مهر، سرهنگ حمیدرضا میرحبیبی، به خبرنگاران گفت: در پی وقوع یک فقره قتل در خردادماه امسال در یکی از محلات شهر کرمان، تحقیقات پلیسی آغاز شد. ماموران در ۲مهر ۱۴۰۵ ساله را در بخش گلباف به‌دست آوردند. تیم‌های عملیاتی پلیس آگاهی در یک اقدام غافلگیرانه، متهم را در مخفیگاهش در بخش گلباف دستگیر کردند. او به جنایت اعتراف کرد.

مرگ دو جوان در آتش

بر اثر برخورد دو دستگاه خودروی دنا و وانت سایپا در جاده نقرده-پیرانشهر، دونفر فوت کردند و سه نفر دیگر مصدوم شدند. به گزارش مهر، فرزین رضازاده رئیس اورژانس آذربایجان غربی در این باره گفت: بامداد سه‌شنبه در اثر برخورد دو دستگاه خودرو در جاده نقرده-پیرانشهر (ایچ هواربید) دونفر فوت کردند و سه نفر دیگر مصدوم شدند. نیروهای امدادی به محل اعزام شدند. به‌علت شدت حادثه خودروی دنا دچار حریق شد و دوسرشتین ا بر اثر سوختگی در دم جان باختند. سه مصدوم هم روانه بیمارستان شدند.

فرار دختر ۲۰ساله برای ازدواج

دختر ۲۰ ساله وقتی فهمید خانواده‌اش اجازه ازدواج او را را با پسر مورد علاقه‌اش نمی‌دهند، همراه پسر جوان فرار کرد. به گزارش خبرنگار جام‌جم، نیمه اول شهریور امسال مردی با حضور در شعبه نهم بازرسی دادسرای جنایی تهران شکایت کرد که دختر ۲۰ ساله‌اش از خانه خارج شده و دیگر بازنگشته است. با دستور قضایی پرونده به پلیس آگاهی تهران ارسال شد. ماموران ابتدا احتمال دادند دختر ۲۰ ساله ربه‌ده شده باشد اما با گذشت دو هفته از ماجرا، هیچ تماسی با خانواده‌او گرفته نشد و در نتیجه، فرضیه آدم‌ربایی منتفی شد. تحقیقات ادامه داشت تا این‌که چند روز پیش ماموران به سرنخ‌هایی دست یافتند که نشان می‌داد با کارت بانکی دختر گمشده از مغازه‌ای خرید شده است. معلوم شد این مغازه در یکی از شهرستان‌های شرقی کشور است. تیمی از ماموران با هماهنگی قضایی به این شهرستان رفتند و به تحقیق از مرد مغازه‌دار پرداختند. در ادامه فیلم دوربین مداربسته مغازه بازبینی و مشخص شد مردی با کارت بانکی دختر گمشده خرید کرده است. با شناسایی این فرد، ماموران دو روز پیش به خانه‌اش رفتند و او را دستگیر کردند. در بازرسی از خانه نیز دختر گمشده را یافتند.

پسر جوان در جریان بازجویی گفت: در تهران در مغازه‌ای کار می‌کردم و دختر ۳۰ ساله با خانواده‌اش در همان محل زندگی می‌کردند. در پی رفت‌وآمد او به مغازه، با هم دوست شدیم و پس از چند ماه تصمیم به ازدواج گرفتیم. موضوع را به خانواده‌ام در میان گذاشتم اما مخالفت کردند. تنهایی به خواستگاری‌اش رفتم اما خانواده‌اش چون سن کمی داشتند و خانواده‌ام هم همراهم نبودند، قبول نکردند. من و دخترم مورد علاقه‌ام تصمیم به فرار گرفتیم تا خانواده‌های مان را مجبور کنیم اجازه ازدواج به ما بدهند. او از خانه‌شان بیرون آمد و با هم به شهرمان رفتیم. وقتی خانواده‌ام از ماجرا باخبر شدند، هر دوی ما را از خانه بیرون کردند. خانه‌ای اجاره کرد و در شهرستان زندگی می‌کردیم که پلیس ردمان را زد و هر دو بازداشت شدیم.

دختر جوان هم گفته‌های مرد مورد علاقه‌اش را تایید کرد و گفت هدف‌شان ازدواج بوده است.

عظیم سه‌لاری بازپرس شعبه نهم دادسرای جنایی تهران با تایید این خبر به جام‌جم گفت: قرار شد این دو نفر برای ادامه تحقیقات از شرق کشور به پلیس تهران منتقل شوند و دختر جوان تحویل خانواده‌اش شود.